

تاریخ و تطور واژه شاگرد در نظام اخلاق آموزشی ایران

اردشیر اسدیگی^۱

ماهیار شریعت پناهی^۲

محمد رضا کاظمی^۳

چکیده

انسان در همه‌ی مراحل زندگی، از کودکی تا نوجوانی و بلوغ و حتی در سنین سالخوردگی، پیوسته از افکار و رفتار دیگران متأثر است. از شرایط محیط نقش می‌گیرد، و بر محیط زیست اثر می‌گذارد. آنچه فرهنگ انسانی را می‌سازد مجموعه‌ی این تأثیر و تأثرهاست؛ اعم از آنکه تغییر رفتارها نتیجه‌ی کوششهای عمدی و حسابشده و در قالب نظام آموزشی رسمی یا سنتی باشند، یا اینکه به صورت اثر محیط، به ویژگیهای فرد و جامعه شکل بدهند. در حال دگرگونیهای جامعه از تأثیر عوامل سنتی و نیز از کوششهای عمدی نظام آموزشی رسمی ناشی هستند.

مصادق اولیه این نظام آموزشی در تاریخ ایران قبل از اسلام و نیز ایران بعد از اسلام، حداقل تا قرن معاصر در واژه ای به نام شاگرد موضوعیت داشت که اراده حاکمیت در ذهن شاگرد و یا شاگردان به صورت فردی و یا جمعی در مکانهایی خصوصی و یا عمومی و یا به مقتضای زمان و مکان و شرایط پیش آمده، حک و تأثیرگذار بوده تا بتوانند سرمایه انسانی کشور را در امتداد تفکر و اندیشه سیاسی خود حفظ و هدایت و در مواقع نیاز بهره برداری نمایند. این پژوهش در صدد است تا چگونگی تغییر و تطور واژه شاگرد و تبدیل آن به دانش آموز و واژه های دیگر و علل و عوامل پیرامونی این موضوع را در گذر زمان حتی تا دوره حاضر بررسی تا غایت نهایی مقاله محقق شود. به نظر می رسد نقش دولتها، خصوصا نفوذ دانشمندان و فرهیختگان و «الیت» جامعه در بدنه حاکمیت، بی تأثیر در «آلترناتیو» واژه شاگرد در نظام آموزش سنتی و رسمی ایران نبوده و علاوه بر آن احتمال می رود همسویی با سیاست های آموزشی و تربیتی جوامع برون مرزی در تغییر کلمه شاگرد تأثیر گذار بوده است. این پژوهش به روش تاریخی و شیوه جمع آوری مطالب به روش کتابخانه ای و اسنادی و تطبیقی تهیه شده است.

واژگان کلیدی

شاگرد، دانش آموز، فراگیر، متعلم، آموزش و پرورش، تحصیل، تربیت.

۱. استادیار، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. استادیار و عضو هیئت علمی واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۳. دانشجوی دکتری، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

طرح مسأله

نظام آموزش و پرورش هر جامعه شامل مجموعه موازین و قراردادهایی است که در تربیت نیروی انسانی به کار می‌روند. با این دید کلی مجموعه آییننامه‌ها و مقررات رسمی و همچنین تمامی سنتها و رسوم جاری جامعه، که در تربیت انسانها اثری دارند، جزء نظام آموزش و پرورش به شمار می‌آیند. اما پاره‌ای از این عوامل، معیارها و ضابطه‌هایی هستند که با بررسی و تحقیق در اوضاع و احوال جامعه و از طریق برنامه‌ریزی دقیق و سنجیده، و با آینده‌نگری و دوراندیشی کافی، بنیاد می‌گیرند.

مجموعه این گونه معیارها نظام رسمی و قانونی آموزش و پرورش است. این معیارها وظایف قانونی مجریان را معلوم می‌دارند و احیانا به صورت قالبهای پیش ساخته کوششهای تربیتی ارائه می‌شوند.

نظام آموزش و پرورش در صورتی مؤثر و سودبخشتر است که ارزشهای انسانی و فرهنگی جامعه را حفظ کند و در تلطیف ارزشها مؤثر باشد. بنابراین نظام آموزشی وقتی موجه‌تر و قابل دفاعتر است که دگرگونیهای مطلوب در همه مؤلفه‌ها و ارکان و مواد آموزشی فراهم آورد و جامعه را به سوی زندگی بهتر و سعادت‌مندتر سوق دهد، نه آنکه تنها دنباله‌رو شرایط موجود باشد.

آموزش و پرورش انسان بدوی که با واژه شاگرد عینیت پیدا می‌کرد صورت تقلیدی داشت، به این معنی که فرزند خانواده راه و رسم زندگی ساده خانوادگی را از پدر و مادری آموخت و به فراخور استعداد و توانایی خویش در احراز تسلط نسبت به رفع نیازهای زندگی روزانه پیش می‌رفت و گاهی از پدر نیز پایرا فراتر می‌گذاشت.

در مراحل ابتدایی زندگی جمعی انسانها، تربیت عمده شاگرد در خانه و به وسیله پدر و مادر صورت می‌گرفت. پدر و مادر در جریان زندگی گذشته خود به تواناییهایی دست می‌یافتند که تسلط نسبی آنها را بر عوامل مزاحم طبیعت تضمین می‌کرد. اولین کوششهای تربیتی متوجه این مقصود بود که این تواناییها را به فرزندان خود نیز منتقل کنند. این فعالیتها منشأ نوعی آموزش و پرورش خصوصی بود که مدتها دوام داشت و از آن به عنوان آموزش و پرورش خانگی یاد می‌کنیم.

مکتبخانه‌ها از ابتدایی‌ترین نهادهای اجتماعی هستند که در خارج از خانه به آموزش شاگرد می‌پرداختند. کار مکتبخانه‌ها از زمانی شروع شد که مسئله تعلیم و تربیت، در وسعتی بیش از قلمرو توانایی خانواده، مورد توجه قرار گرفت.^۱

۱. معیری، محمد طاهر، نظام آموزش و پرورش و دگرگونیهای آن، ص ۸.

تعلیمات مذهبی به شاگرد از دیرزمان از طریق تشکیل مجالس درس و وعظ پیشوایان مذهبی اجرا می‌شد و صورت عمومی داشت. در ایران باستان روحانیان و موبدان در آتشگاهها یا در دیگر مراکز مذهبی این برنامه‌ها را اجرا می‌کردند. در دوره اسلامی پیشوایان مذهبی، معمولاً بعد از نماز جماعت، در مساجد به این امر م پرداختند. در این دوره ضرورت شرکت مسلمانان در نماز صبح و ظهر و شامگاه و کثرت تعداد مساجد بر وسعت برنامه آموزش دینی روحانیان افزود.^۱

در اواخر قرن دوازدهم و از سالهای اول قرن سیزدهم هجری، بر اثر عوامل سیاسی و اقتصادی متعدد و پی در پی، وجود ضعف و کمبودهایی در نظام اجتماعی کشور ما آشکار شد و توجه قاطبه مردم را به پیشرفتهای غرب جلب کرد. تسلط بیگانگان به شرق و جنوب کشور، جنگهای قفقاز و نتایج غیرمنتظر آنها، هرج و مرج داخلی، بحران اقتصادی و از همه مهمتر، عقبماندگی محسوس جامعه ما از نهضت صنعتی غرب، از مشخصترین عوامل هشجاری مردم در این دوره به شمار می‌آیند. توسعه ارتباط با ملل غرب و مسافرت بعضی خانواده‌ها به اروپا و بازگشت آنها با یادبودها و خاطرات شگفتی‌انگیز، توجه اندیشمندان و روشنفکران را به منشأ دگرگونیهای نوین یادآموزشی اروپایی جلب کرد. در تحلیل علل پیشرفت جامعه اروپایی طبعاً افکار عمومی به آموزش و پرورش غرب متوجه شد. آنها که در اروپا تحصیل کرده بودند تأسیس مدارس جدیدی با تغییر در ارکان و اصطلاحات و واژه‌ها و مؤلفه‌های آموزشی به سبک مدارس اروپایی را لازم دانستند و بعضی در این زمینه خود پیشقدم شدند و معارف جدید ایران را بنیاد نهادند. تأسیس دار الفنون از مظاهر مشخص این کوششهاست.^۲

با ذکر این مقدمه تبیین ضرورت این پژوهش حتمی به نظر می‌رسد که با تغییر و تحول جوامع در ابعاد مختلف به مقتضای خواسته‌های فیزیولوژیک و روحی و روانی انسانها و شرایط موجود که بخشی از جوهره وجودی انسانها نشأت و بخشی هم از محیط و انگیزشهای درون مرزی و برون مرزی نشأت و علاوه بر آن مناسبتها و حوادث و رویدادها و کشمکشها و همسوییها مطلوب در راستای وفاق و همدلی در جهت عزت و اعتلاء و گاهی هم با رویکرد متفاوت شاکله و ساختار و محتوی آموزش به شاگرد و تربیت سرمایه انسانی را دچار تغییر و تأثیر آن در تربیت مشهود بوده است که با این پژوهش تقریباً آشکار می‌شود که بتواند پاسخگوی نیاز نظام آموزشی کشور گردد.^۳

۱. آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) شماره ۴۷۵، ص ۲۶۴.

۲. صدیق، عیسی، روش نوین در آموزش و پرورش، تهران ۱۳۱۷، ص ۱۲۵.

۳. طاهری، ابوالقاسم، تاریخ اندیشه‌های سیاسی در غرب، تهران ۱۳۷۹.

منابعی که بتوان از آن برای تکمیل این پژوهش بهره گرفت در کتابخانه های قابل دسترسی فیزیکی و دیجیتالی یافت نشد ولی مقالاتی متعدد و کتب فراوان در خصوص نظام آموزشی ایران باستان و بعد از اسلام و قرن حاضر به رشته تحریر در آمده و چاپ گردیده است که با مطالعه و تورق حداقل ۲۰۰ مقاله و بیش از ۱۰۰ تا کتاب و با استنتاج و استخراج از آنها مقاله حاضر آماده گردیده است که اگر راهنمایهای استاد معظم جناب دکتر اسد بیگی نبود ممکن بود ابر بماند. که بر خود فرض میدانم کمال تشکر را از آقای دکتر اسدبیگی داشته باشم.

معنی شاگرد در لغت نامه

لغت نامه دهخدا

شاگرد آموزنده علم یا هنر نزد کسی^۱ کسی که در نزد معلم و استاد تحصیل علم و کمال یا صنعت کند و کسی که در مدرسه به تحصیل پردازد. تلمیذ و محصل و متعلم^۲ تلمیذ^۳ کسی که در نزد معلم و استاد کسب علم و هنر کند. کسی که در مدرسه تحصیل نماید^۴ مؤلف فرهنگ نظام ذیل کلمه شاگرد نویسد: در عصر تیموری هندوستان مسلمانان هند که زبان آنها فارسی بود لفظ شاگرد را مخفف «شاه گرد» «گرد شاه» فهمیده به یک دسته از نوکرهای خصوصی اطراف شاه شاگردپیشه میگفتند^۵ و تاکنون در سلطنت دکن همانها را شاگردپیشه میگویند. اگر قیاس مذکور صحیح باشد در معنی تلمیذ و آموزنده فن مجاز خواهد بود که معلم تشبیه بشاه شده و شاگردان اشخاص دور شاه، لیکن تصور مذکور درست نیست مرکب از: شاس. بمعنی حکومت و تربیت و گرد محرف کرت اسم مفعول بمعنی کرده شده که مجموع تربیت کرده شده است و لفظ گرد محرف کرده (اسم مفعول) در فارسی متعدد هست مثل داراب گرد (نام شهر) بمعنی کرده داراب (ساخته داراب) و یزدگرد بمعنی کرده ایزد (ساخته ایزد)^۶ شاگرد مقابل استاد و معلم.

فرخی:

حیله ساختن استاد بخردان زمین بحرب کردن شاگرد پادشاه زمان^۷

۱. داعی الاسلام، محمدعلی، فرهنگ نظام، جلد ۳، ۱۳۰۵، حیدرآباد دکن، ص ۴۵۸

۲. نفیسی، میرزا علی اکبرخان، فرهنگ ناظم الاطباء، جلد ۲، ص ۲۵۴

۳. پادشاه، محمد، فرهنگ آندراج، جلد ۲، ص ۱۵۷.

۴. تبریزی، محمدحسین، برهان قاطع، جلد ۳، ۱۳۹۱، حیدرآباد هندوستان، ویراستار محمد معین

۵. داعی الاسلام، محمدعلی، فرهنگ نظام، جلد ۳، ۱۳۰۵، حیدرآباد دکن، ص ۴۶۳

۶. داعی الاسلام، محمدعلی، فرهنگ نظام، جلد ۳، ۱۳۰۵، حیدرآباد دکن، ص ۴۶۸

۷. فرخی سیستانی، ابوالحسن، دیوان اشعار، ۱۳۳۵، ص ۳۶۴

منوچهری:

فضل و کرم کرد تست، جود و سخا ورد تست دولت شاگرد تست ، جوهر عقل اوستاد^۱

سنایی:

هر که شاگرد روز و شب نبود جز تهی دست و بی ادب نبود^۲

ناصر خسرو:

دعوی کنند گرچه براهیم زاده ایم چون ژرف بنگری همه شاگرد آزرند^۳

فردوسی:

کاهلی شاگرد بدبختی است
شاگرد خادمان در اوست روزگار
کاستاد بحر دست جواهرفشان اوست^۴

ترکیب ها

شاگرد آهنگر . شاگرد ارسی دوز. شاگرد بنا. شاگرد خراط. شاگرد خیاط. شاگرد رزاز. شاگرد سراج . شاگرد علاقه بند. شاگرد کفشدوز. شاگرد لحافدوز. شاگرد مسکر. شاگرد نجار. شاگرد مکتب. شاگرد کلاس و شاگرد مدرسه و

مترادف شاگرد

خادم . خدمتگار . غلام

شاگرد در اصل بمعنی خادم است و بمعنی تلمیذ مجازاً شهرت یافته و ظاهراً لفظ شاگرد در اصل شاه گرد بود زیرا که خادمان گرداگرد شاه و مخدوم خود استاده شده مترصد در فرمان و خدمت باشند. بهمین جهت خدمتکاران رابعربی حواشی گویند.^۵

معانی دیگر شاگرد

۱ - شاگرد نام محلی است در ساحل شرقی ایران به خلیج فارس گویا نزدیک سرباز و قصر

قند

۱. منوچهری دامغانی ، احمد ، دیوان منوچهری ، ۱۳۲۶ ، ص ۴۲۱

۲. سنایی غزنوی ، ابوالمجد ، دیوان اشعار ، ۱۳۳۴ ، ص ۳۲۱

۳. ناصر خسرو ، دیوان اشعار ، ص ۵۳۸

۴. فردوسی ، ابوالقاسم ، شاهنامه فردوسی ، ص ۱۵۸

۵. رامپوری ، محمد غیاث الدین ، فرهنگ غیاث اللغات ، ۱۳۴۲ ، ص ۲۶۷

- ۲ - کسی که نزد دیگری علم و ادب یا هنر آموزد^۱
 ۳ - پسری که کارهای خانه را انجام دهد^۲
 ۴ - کسی که نزد دیگری علم یا هنر می آموزد^۳
 ۵ - پسری که در دکانی خدمت می کند^۴

شاگرد در زبان لاتین^۵

- Votary: پارسا , زاهد , شاگرد , هوا خواه
 Follower: تابع , پیرو , ملتزم , شاگرد , عشقبیاز , تعقیب کننده , دنبالگر
 Disciple: موافق , طرفدار , پیرو , هواخواه , سالک , حواری , شاگرد , مرید
 Mate: کمک , جفت , مات , دوست , شاگرد , همسر , رفیق , لنگه , همدم
 Apprentice: شاگرد , کارآموز , خلیفه
 Student: شاگرد , دانشجو , دانش آموز , عضو دانشکده یا دانشگاه , اهل تحقیق
 Pupil: شاگرد , دانش آموز , حذقه , مردمک چشم
 Prentice: شاگرد
 Protege: شاگرد , تحت الحمایه , حمایت شده
 Famulus: شاگرد , نوکر
 Footboy: شاگرد , پادو , نوکر
 Journeyman: شاگرد , کارگر ماهر , کارگر مزدور
 Learner: شاگرد , یادگیرنده

واژه های جایگزین

دانش آموز:

از لحاظ لغوی به معنی کسی است که دانش می آموزد و در اصطلاح، برای اطلاق بهمحصلان رسمی در سطح تحصیلات پیش از دانشگاه به کار می رود.^۶ در یک نظام آموزشی، وقتی یک فرد می آموزد که «دیگران چه گفته اند و چه کرده اند» و برایش میگویند که «مسائل پیچیده ی یک علم را چگونه حل کرده اند» دانش آموز، دانشجو یا طلبه است. فقط از

۱. معین ، محمد ، فرهنگ معین ، انتشارات امیر کبیر ، ۱۳۵۰ ، ص ۲۴۹

۲. عمید ، حسن ، فرهنگ عمید ، جلد ۲ ، ۱۳۳۵ ، ص ۸۷

۳. عمید ، حسن ، فرهنگ عمید ، جلد ۲ ، ۱۳۳۵ ، ص ۸۸

۴. عمید ، حسن ، فرهنگ عمید ، جلد ۲ ، ۱۳۳۵ ، ص ۸۸

۵. جان سیمسون و ادmond واینز ، فرهنگ انگلیسی آکسفورد ، انتشارات دانشگاه آکسفورد ، ۱۹۸۹

۶. رجایی ریزی ، حمید ، اندیشنامه چیست ه دیباچه ، ص ۱۲

زمانی که خودش به مزر دانش می رسد و مسأله تازه ای را کشف یا حل می کند یک محقق و دانشمند است

دانشجو

دانشجو جوینده دانش. طالب علم. دانش پژوه. علم خواه و از لحاظ لغوی به معنی کسی است که دانش می جوید و در اصطلاح، برای اطلاق به محصلان رسمی در سطح تحصیلات دانشگاه و پس از آن به کار می رود^۱ امروزه به شاگردان دانشکده ها و دانشگاهها، «دانشجو» اصطلاح شده اند.

متعلم:

شاگردی که در آموزشگاههای عالی تحصیل کند. آنکه در دانشکده و دانشگاه متعلم باشد^۲
توضیح: برای توضیح بیشتر بهتر است از دو واژه ی معلم و مربی یاری جویم. در کنار معلم، متعلم نیز معنا می یابد. چون کار معلم با آموزش و انتقال معلومات است بنابراین متعلم هم کسی است که آموزش داده می شود.

نوآموز

در تقسیمات مدارج تحصیلی امروزی شاگردان دبستان، «نوآموز» خوانده می شود^۳

طلبه

واژه ای است در زبان عربی که جمع مکسر واژه طالب به معنی خواهان و خواستار است؛ مانند واژه کاسب که جمع شکسته اش می شود کسبه^۴

طالب

جوینده. جویا. جویان. خواهنده. خواهان. خواستار. خواستگار. خواهشمند. طلبکار. طلب
مُتَمَسِّس. ج. طالبون، طالبین، طُالِب، طلب، طلبیه و طَلَب^۵

فراگیر

فردی که برای کسب علم و دانش تلاش و کوشش می نماید^۶

مفهوم آموزش

معادل این واژه در زبان عربی تعلیم و در زبان لاتین Instruction یا Teaching

۱. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، جلد ۸، ص ۱۶۷

۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید، جلد ۲، ۱۳۳۵، ص ۱۵۸

۳. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، جلد ۸، ص ۳۶۵

۴. معین، محمد، فرهنگ معین، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۰، ص ۴۵۶

۵. صفی پور شیرازی، عبدالحجیم، منهی الارب فی لغه العرب، جلد ۲، ۱۳۳۹، ص ۲۳۶

۶. فراهانی، محسن، فرهنگ توصیفی علوم تربیتی، تهران ۱۳۶۷، ص ۴۸۷

است.

آموزش به طور کلی، دارای دو مفهوم عام و خاص می‌باشد.^۱ در مفهوم عام، شامل هر نوع انتقال مفاهیم و تأثیرگذاری در ذهن فراگیر، به منظور ایجاد یادگیری در وی می‌باشد، خواه این تأثیرگذاری در قالب رسمی و از پیش طرح‌ریزی شده باشد. همانند آنچه در مراکز آموزشی، و به ویژه در کلاس درس انجام می‌گیرد و خواه به صورت خود به خودی و بدون طراحی و برنامه‌ریزی قبلی باشد. همانند تأثیری که از برنامه‌های آموزشی تلویزیونی و یا مطالعه کتاب و مجله و مانند اینها ناشی می‌شود.^۲ «آموزش» در مفهوم خاص خود، در قالب و شرایط ویژه‌ای صورت می‌گیرد که عبارت است از: فعالیت‌هایی که با هدف آسان ساختن یادگیری از سوی آموزگار یا معلم طرح‌ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد^۳ به عبارت دیگر، فعالیتی است که معلم و شاگرد با هم در کلاس درس انجام می‌دهند.

مفهوم تربیت

واژه تربیت عربی است و معادل لاتینی آن Education است و معادل فارسی آن پرورش است.^۴

تربیت عبارت است از: انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود و به طور هماهنگ، پرورش داده، شکوفا سازد و به سوی هدف و کامل مطلوب تدریجاً حرکت کند.^۵

تفاوت مفهوم تعلیم (آمورش) و تربیت

در مقایسه آموزش (تعلیم) و تربیت (پرورش)، تفاوت‌هایی بیان شده است که عبارتند از:

- ۱ - در تربیت هدف رشد دادن و شکوفایی همه قابلیت‌ها و توانایی‌هایی بالقوه انسان است، ولی در آموزش هدف اصلی در آن انتقال معلومات است^۶
- ۲ - در تعلیم بیشتر با یک بعد از ابعاد وجودی انسان، یعنی بعد شناختی و عقلانی او سروکار داریم، اما تربیت فراگیر و همه‌جانبه است^۷

۱. سیف، علی اکبر، روانشناسی پرورشی، ص ۳۰

۲. شریعتمداری، علی، رسالت تربیتی مراکز آموزشی، ص ۸۲

۳. نقیب‌زاده، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، ص ۱۶

۴. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۴

۵. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۲

۶. حاجی ده‌آبادی، محمد علی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، ص ۱۵

۷. همان، ص ۱۶

- ۳ - تعلیم معمولاً بیشتر به وسیله معلم و در جای معینی، همچون مدرسه و کلاس درس صورت می‌گیرد، ولی در تربیت، همه عوامل موجود در محیط به نحوی بر فرد تأثیر می‌گذارند^۱
- ۴ - آموزش به معنای انتقال دانش است و پرورش به معنای انتقال ارزش‌ها^۲
- ۵ - آموزش به فعالیت‌های ذهنی و علمی در داخل کلاس درس مربوط می‌شود، اما پرورش به فعالیت‌های عملی اطلاق می‌شود که در خارج از ساعات درسی انجام می‌گیرد^۳
- ۶ - پرورش آن دسته از آموزه‌ها، پیام‌ها و الگوهایی است که جنبه دینی، اخلاقی و انقلابی دارد، ولی آموزش آن دسته آموزه‌هایی است که جنبه شناختی و علمی داشته و در قالب کتاب‌های درسی و به صورت رسمی تدریس می‌شود^۴
- ۷ - آموزش جنبه رسمی، عمدی، برنامه‌ریزی شده، قصد شده و آشکار دارد، اما تربیت فرآیندی غیررسمی، غیرعمدی و درونی است.^۵

آنچه بیان شد، برخی تفاوت‌هایی است که از سوی کارشناسان امر تعلیم و تربیت، در تفاوت میان تعلیم (آموزش) و تربیت (پرورش) بیان گردید.

تعلیم شاگرد در انسانهای بدوی

آموزش انسان بدوی صورت تقلیدی داشت، به این معنی که فرزند خانواده راه و رسم زندگی ساده خانوادگی را از پدر و مادرمی‌آموخت و به فراخور استعداد و توانایی خویش در احراز تسلط نسبت به رفع نیازهای زندگی روزانه پیش می‌رفت.^۶

تعلیم شاگرد در ایران باستان

در دوره مادها، کودکان و نوجوانان راه و رسم زندگانی و کار و جنگاوری را در خانه و ایل می‌آموختند. آموزش رسمی مخصوص روحانیان بود. روحانیان، گذشته از خواندن و نوشتن، اصول و مراسم دینی، اخترشناسی و شیوه‌های پیشگویی سرنوشت دیگران را در مراکز دینی فرا می‌گرفتند. مردم دیگر از خواندن و نوشتن بی‌بهره بودند

در آیین زرتشت آموزش و پرورش به مانند زندگی مهم شمرده شده بود، مردم ایران به پیروی از گفتار حکیمانه زرتشت، یعنی پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک، اخلاق و مهارت‌های

۱. صانعی، سید مهدی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۵

۲. کریمی، عبد العظیم، آموزش به مثابه پرورش، ص ۵۴.

۳. همان، ص ۵۵

۴. همان، ص ۵۵

۵. همان، ص ۵۵

۶. آموزش و پرورش (تعلیم و تربیت) شماره ۴۷۵، ص ۲۶۲

سودمند را به فرزندان خود در خانه و مکتب آموزش می‌دادند^۱
در دوران اشکانیان تعلیم شاگرد بیش تر در مکتب خانه‌ها انجام می‌شد که آموزگار غالباً آموزش دیده دروس مذهبی بوده است^۲

در زمان ساسانیان، علاوه بر مدارس سرخانه و مدارس درباری، برای تربیت گروهی از شاگردان طبقات دوم و سوم نیز سازمانهایی به وجود آمدند که به صورت مکتبخانه‌ها و به وسیله معلم خصوصی اداره می‌شدند^۳

در دوران پس از اسلام تعلیم شاگرد بیش تر در مکتب خانه‌ها انجام می‌شد. که آموزگار غالباً آموزش دیده دروس رسمی بود^۴

مفهوم تعلیم شاگرد در ایران باستان

آموزش و پرورش در ایران باستان این مفهوم را داشت که یک فرد می‌بایستی دانش اندوزی نماید و ادب را فراگیرد تا آن که صاحب صفات و کردار نیک گردد و بتواند برای اجتماع عضو مفیدی بشمار رود. این سنت بعدها نیز در دوره‌های اسلامی گرامی ماند و دستورات قرآن که ضمن آن مقام معلم و دانش گرامی شمرده شده بود، سرمشق مسلمانان و الهام بخش آنان قرار گرفت^۵

عوامل اولیه تربیت شاگرد در ایران باستان

در ایران باستان عوامل اولیه تربیت عبارت بود از طبیعت و وضع جغرافیایی کشور و آرا و عقایدی که آریایی‌ها با خود آورده و زرتشت آنها را پیراسته و اصلاح کرده بود. وقتی در ایران حکومت مقتدر و متمرکز به وجود آمد دولت نیز از عوامل موثر تربیت گردید^۶

هدف تربیت شاگرد در ایران باستان

در ایران باستان سه منظور عمده از تربیت طفل داشتند^۷:

(۱) خدمت به اجتماع و کشور

(۲) خدمت به خانواده و رفع مسئولیت از پدر و مادر

(۳) بهبودی حال و برتری بر دیگران

۱. همان ، ص ۲۶۳

۲. الماسی ، علی محمد، تاریخ آموزش و پرورش اسلامی ایران ، ص ۲۵۷

۳. صدیق ، عیسی ع تاریخ فرهنگ ایران ، ص ۱۴۷

۴. کشاورزی ، محمد علی، تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام ، روزبهان ۱۳۸۲، ص ۳۵۹

۵. الماسی ، علی محمد، تاریخ آموزش و پرورش اسلامی ایران ، ص ۲۵۷

۶. کشاورزی ، محمد علی، تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام ، روزبهان ۱۳۸۲، ص ۳۵۹

۷. صدیق ، عیسی ع تاریخ فرهنگ ایران ، ص ۱۴۷

مکان تعلیم شاگرد در ایران باستان

اولین و ابتدایی ترین محل برای آموزش دانش به طور عام خانه بود و پدر و مادر عهده دار آموزش و پرورش بوده اند ولی به مرور وپا به پای تحولات اجتماعات و تمرکز خانواده ها مکان آموزشی به خانه ی دومی انتقال یافت که می توان آنرا نخستین محل تدریس گروهی یا مکتب خانه به حساب آورد

با رواج دین زرتشت آتشکده ها برای آموزش مورد استفاده قرار گرفته و مدتها عهده دار این نقش مهم بوده است. البته مدارس ویژه ای برای فنون نظامی مانند مدارس تربیت بدنی با مکانهای سر گشوده و میدانهای وسیع در عهد هخامنشیان وجود داشتند^۱

اهداف دیگر تربیت شاگرد در ایران باستان

- ۱ - هدف دینی و اخلاقی: ایمان، تزکیه ی نفس، وجدان که تحت تعالیم زرتشت و شعار پندارنیک - کردارنیک - گفتارنیک جامه ی عمل می پوشند
- ۲ - هدف نیرومندی و بهداشتی: جوانمردی، راستی، پاکدلی، پاک تنی و تندرستی
- ۳ - هدف جنگی: نگهداری مرز و بوم، حفظ آرامش و دفاع در برابر دشمنان
- ۴ - هدف اقتصادی: تهیه ی نان، رفاه و آسایش مردم، حفظ خانواده و توسعه ی صنعت و حرفه هایی از قبیل کشاورزی آبیاری، دام داری، بازرگانی و پیشه گری
- ۵ - هدف سیاسی: روابط عمومی (امنیت و کشورداری)، روابط خارجی (آشتی و دوستی با همسایگان)^۲

زمان و طول مدت تعلیم شاگرد در ایران باستان

برای زمان تحصیل و طول مدت آموزش در ایران باستان می توان سه مرحله متفاوت قایل شد که به نسبت رشد قوای جسمانی، ذهنی، روحیات و خصایص ملی، اهداف و نیازهای اجتماعی متغیر بوده است^۳

مرحله اول، یعنی آموزش خانوادگی که طی آن مهمترین و اساسی ترین شالوده تربیت و آموزش ایجاد می شد و مادر و وظیفه سنگینی به عهده داشت

مرحله دوم، آموزش عمومی بود که از ۷ سالگی آغاز و تا ۱۴ و ۱۵ سالگی ادامه می یافت

مرحله سوم، آموزش اختصاصی بود که با بلوغ و رشد هیجانان در فرد مصادف بود.

در این مرحله، استعدادها شناسایی و با توجه به استعداد فرد رشته های تخصصی به او

۱. الماسی، علی محمد، تاریخ آموزش و پرورش اسلامی ایران، ص ۲۵۸

۲. کشاورزی، محمدعلی، تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام، روزبهان ۱۳۸۲، ص ۳۶۰

۳. صدیق، عیسی، تاریخ فرهنگ ایران، ص ۱۴۷

آموزش داده می شد

برنامه آموزشی در ایران باستان

۱ - پرورش دینی و اخلاقی ۲- تربیت بدنی ۳- تعلیم خواندن و نوشتن و حساب برای طبقات خاص

محدودیت های ورود شاگرد به تعلیم و تربیت در ایران باستان

علی رغم ویژگی های مثبتی که در روند آموزش و پرورش ایران باستان وجود داشته است متأسفانه این نظام آموزشی از محدودیت ها و یا بهتر است ذکر شود معایبی رنج می برد. بزرگ ترین محدودیت ها و معایب سازمان آموزش ایران باستان را می توان به شکل ذیل دسته بندی نمود:

- ۱ - آموزش و پرورش در انحصار طبقه اعیان و اشراف و شاهزادگان بود
- ۲ - آموزش یافتگان سعی داشتند دانش و معلومات خویش را از مردم عادی مخفی دارند
- ۳ - در تعلیم و تربیت القاء عقیده و اندیشه حاکم بود که نتیجه اش فرمان برداری مطلق و اطاعت کورکورانه در برابر افراد صاحب قدرت و منصب بود.

تعلیم و تربیت در نظام آموزشی جدید ایران

تاریخچه چرایی و چگونگی تطور مولفه ها و ابزار و مواد و شرایط نظام آموزشی جدید ایران در اواخر قرن دوازدهم و از سالهای اول قرن سیزدهم هجری، بر اثر عوامل سیاسی و اقتصادی متعدد و پی در پی، وجود ضعف و کمبودهایی در نظام اجتماعی کشور ما آشکار شد و توجه قاطبه مردم را به پیشرفتهای غرب جلب کرد. تسلط بیگانگان به شرق و جنوب کشور، جنگهای قفقاز و نتایج غیرمنتظر آنها، هرج و مرج داخلی، بحران اقتصادی و از همه مهمتر، عقبماندگی محسوس جامعه ما از نهضت صنعتی غرب، از مشخصترین عوامل هشجاری مردم در این دوره به شمار می آیند. توسعه ارتباط با ملل غرب و مسافرت بعضی خانواده ها به اروپا و بازگشت آنها با یادبودها و خاطرات شگفتی انگیز، توجه اندیشمندان و روشنفکران را به منشأ دگرگونیهای نوین یاد اروپایی جلب کرد.^۲ در تحلیل علل پیشرفت جامعه اروپایی طبعاً افکار عمومی به آموزش و پرورش غرب متوجه شد. آنها که در اروپا تحصیل کرده بودند تأسیس مدارس جدیدی به سبک مدارس اروپایی را لازم دانستند و بعضی در این زمینه خود پیشقدم شدند و معارف جدید ایران را بنیاد نهادند و نخستین بار در ۹ آبان ۱۲۹۰ هـ. ش،

۱. کشاورزی، محمدعلی، تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام، روزبهان ۱۳۸۲، ص ۳۶۰
 ۲. شکوهی، غلام حسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، ص ۱۵۸ و دوره ابتدایی و اهم قوانین و مقررات ان (خبرگزاری افتاب) ص ۱۰ و ۲۰ و ۳۱

مجلس شورای ملی قانون تعلیمات اجباری را تصویب کرد. در سال ۱۲۹۴ هـ. ش نظارت دولت در امر آموزش و پرورش به صورت یک اصل در متمم قانون اساسی مطرح شد و از این تاریخ سازمان های آموزشی در ایران شکل منظم و متمرکزی به خود گرفتند و نظارت دولت بر موسسات آموزشی جنبه قانونی یافت.

نظام آموزش و پرورش رسمی ایران در واقع از انقلاب مشروطیت و پس از وضع قانون اساسی و متمم آن بوجود آمده است. تا قبل از انقلاب مشروطیت آموزش و پرورش در مکتب خانه های سنتی ادامه داشت و معلمان آن معمولاً از طریق مراکز دینی و یادگیری فقه و اصول و درس قرآن به نعمت سواد دست یافته بودند و آنچه می دانستند با روش سنتی به کودکان و نوجوانان می آموختند.

امیر کبیر در سال ۱۲۲۵ خورشیدی دار الفنون را که اولین موسسه عالی به سبک نوین در ایران بود راه اندازی کرد.^۱

در سال ۱۳۰۰ خورشیدی قانون شورای عالی فرهنگ جهت اداره امور کلیه مدارس تصویب شد. تاسیس دانشسرا های مقدماتی و عالی برای تربیت معلم و دبیر، تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۲، گسترش مدارس در مراکز استان و شهرستان ها و بخش ها، ایجاد مدارس اکابر برای آموزش بزرگسالان در سال ۱۳۱۵ و اعزام دانشجو به کشورهای اروپایی به منظور استفاده از آنها در مراحل آموزشی کشور، از اهم اقدامات دولت در زمینه آموزش و پرورش از ابتدایی تا عالی بود. تا سال ۱۳۴۳ دو مقطع آموزش ابتدایی و متوسطه وجود داشت و پس از آن به سه دوره ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان تقسیم گردیده است. از سال ۱۳۴۵ به بعد به خاطر تحولات اجتماعی و دگرگونی های اقتصادی - اجتماعی که منجر به دگرگونی در ساخت جامعه شد، تغییر در برنامه های آموزش و تعیین اهداف جدید ضروری می نمود.

مواد درسی در نظام آموزشی جدید ایران

در مدارس جدید، علاوه بر سوادآموزی و تدریس حساب و تعلیمات دینی و مذهبی، تدریجاً به آموزش ریاضیات، علوم پایه، زبان بیگانه، و تاریخ و جغرافیای ایران و جهان پرداختند. در برنامه هفتگی کار هر کلاس ورزش و تربیت بدنی نیز پیشبینی شده بود.^۲

برنامه های درسی نظام آموزشی جدید ایران

برنامه های درسی مدارس جدید معمولاً به چند بخش تقسیم شده بود و هر بخش به صورت مجموعه ای معین از مواد و مطالب درسی برای تدریس در یک سال تحصیلی

۱. صافی، احمد، آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، سمت ۱۳۷۵، ص ۳۴۶

۲. درانی، کمال، تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، سمت ۱۳۷۶، ص ۲۷۶

منظور بود و یک پایه از تحصیلات این‌گونه مدارس به حساب می‌آمد. داوطلبان تحصیل در هریک از پایه‌های تحصیلی در اتاق مخصوص گرد می‌آمدند و در ساعت درس با نظم خاص برای نشستن از میز و نیمکت استفاده می‌کردند^۱

روش تدریس در نظام آموزشی جدید ایران

روش تدریس تقریری بود و معلم مطالب درسی را به صورت خطابه و سخنرانی شخصاً بیان می‌کرد، و گاهی برای تشریح موضوع درس مطالبی روی تخته سیاه می‌نوشت یا به ترسیم شکل می‌پرداخت. بعد از کتاب، گچ و تخته سیاه از مهمترین ابزار کار معلم شناخته می‌شدند^۲ با پیشرفت بیشتر کار این مدارس، تدریجاً نیاز به آزمایشگاه و کارگاه احساس شد. اما فعالیتهای آزمایشگاهی و کارگاهی بسیار محدود بود و منحصر به معلم اختصاص داشت و دانش‌آموزان تنها به مشاهده می‌پرداختند. به همین دلیل کار آزمایشگاهی و کارگاهی برای دانش‌آموزان عملاً متضمن کسب مهارت فنی نبود، زیرا دستها را برای کار و آزمایش بکار نمی‌گرفتند^۳

اهداف تعلیم و تربیت در نظام آموزشی جدید ایران

- ۱ - تاکید بر سواد آموزی و تعمیم آموزش اجباری ابتدایی، مخصوصاً در روستاها.
- ۲ - پرورش نیروی انسانی ماهر و متخصص
- ۳ - پرورش سیاسی برای مشارکت فعال در زندگی سیاسی و اجتماعی و آگاهی به حقوق اجتماعی و احترام به قانون
- ۴ - پرورش ذوق هنری
- ۵ - تاکید بر اخلاق و فلسفه اجتماعی
- ۶ - پرورش جسمی - تربیت بدنی^۴

نظام آموزشی ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش با تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی از فروردین ۱۳۶۵ رسماً آغاز به کار کرد و پس از ۱۵۰ جلسه بحث، طرح کلیات نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران را تدوین کرد که در

۱. درانی، کمال، تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، سمت ۱۳۷۶، ص ۲۷۸

۲. صافی، احمد، آموزش و پرورش ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، سمت ۱۳۷۵، ص ۳۴۷

۳. کشاورزی، محمدعلی، تاریخ آموزش و پرورش در ایران و اسلام، روزبهان ۱۳۸۲، ص ۳۶۱

۴. درانی، کمال، تاریخ آموزش و پرورش ایران قبل و بعد از اسلام، سمت ۱۳۷۶، ص ۲۷۹

شهریور ۱۳۶۹ تصویب شد که به شرح زیر است.^۱

۱ - دوره آمادگی (۱ سال): پیش دبستانی در سالهای اخیر به مقطع ابتدایی افزوده شده است. در واحدهای پیش دبستانی کودکان پنج ساله به مدت یک سال بنابر اهداف خاص این دوره، آموزشهای لازم را دیده و برای ورود به دوره ی ابتدایی آماده می شوند. به همین دلیل به آن آمادگی نیز می گویند.

۲ - دوره ابتدایی (۵ سال): کودکانی که روز اول مهرماه هر سال شش سال تمام دارند، در دوره ابتدایی ثبت نام نموده و به مدت پنج سال این دوره را می گذرانند.

۳ - دوره راهنمایی (۳ سال): پس از تغییر مدت دوره ی آموزش ابتدایی ، دوره راهنمایی تحصیلی از ۵۱-۱۳۵۰ در ایران آغاز گردید که مدت تحصیل در آن سه سال است. قبول شدگان دوره ی پنج ساله ابتدایی در دوره ی راهنمایی ثبت نام می کنند.

۴ - دوره متوسطه (۳ سال): پیش از ۱۳۷۰، فارغ التحصیلان دوره ی راهنمایی تحصیلی وارد دوره ی متوسطه می شدند. مدت دوره ی متوسطه چهار سال و شامل دو گرایش نظری و فنی و حرفه ای بود (دوره متوسطه نظام دوره ی متوسطه به صورت نظام ترمی- واحدی به صورت آزمایشی در چند واحد دبیرستانی آغاز گردید.

۵ - دوره پیش دانشگاهی (۱ سال)

از سال تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ مقاطع تحصیلی به این صورت درآمده است

۱ - دوره آمادگی (۱ سال)

۲ - دوره ابتدایی (۶ سال)

۳ - دوره اول متوسطه (۳ سال)

۴ - دوره دوم متوسطه (۳ سال)

وظائف شاگرد نسبت به استاد

۱- ارج نهادن به استاد و تجلیل از مقام علم و دانش

۲ - تواضع و فروتنی در برابر استاد

۳ - لزوم ترجیح رای و نظریه استاد بر رای و نظریه خود

۴ - باید از استاد به احترام یاد کرد

۵ - حق شناسی از استاد و سرمشق گفتن از او

۶ - سپاسگزاری از ارشاد و هشدارهای استاد

۷- تحمل جور و تندرپیهای استاد

۱. قوانین و آیین نامه های آموزشی وزارت آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۹، ص ۱۵۳

- ۸ - باید در انتظار استاد و شرفیابی از محضر او بسر برد
- ۹ - رعایت ادب و نزاکت برای ورود به مجلس خصوصی استاد
- ۱۰ - آراستن و پیراستن برون، و آمادگی درون به هنگام ورود بر استاد
- ۱۱ - آمادگی روحی و ذهنی شاگرد برای درس
- ۱۲ - عدم ایجاد مزاحمت برای اشتغالات استاد
- ۱۳ - نباید شاگرد مانع استراحت استاد گردد
- ۱۴ - تنظیم کیفیت جلوس شاگرد در محضر استاد
- ۱۵ - شاگرد باید مراقب حرکات و رفتار و حالات خود در محضر استاد باشد
- ۱۶ - تنظیم صدا و مواظبت از رفتار و گفتار در پیشگاه استاد
- ۱۷ - رعایت لطف بیان هنگام گفتگوی با استاد
- ۱۸ - رعایت ادب و نزاکت در خطاب به استاد
- ۱۹ - نادیده گرفتن سبقت لسان و لغزش زبان استاد
- ۲۰ - پیشدستی نکردن شاگرد به پاسخ پرسش‌ها در محضر استاد^۱

دلایل پوشش و وضع ظاهری شاگرد

قانون و مقررات در هر اجتماع و مجموعه‌ای تنظیم‌کننده و نظم‌دهنده افراد آن مجتمع یا مجموعه می‌باشد و هر اجتماعی مبتنی بر هر مذهب و یا ایدئولوژی، متناسب با فرهنگ و رسوم خود با وضع قانون و مقررات سعی در رسیدن به ایجاد نظم در میان افراد و دوام ارزش‌های خود دارد. حتی در ایدئولوژی‌ها و مکاتب غیردینی این وضع قانون با شدت بیشتر و به نحو سخت‌تر از مکاتب دینی و مذهبی وضع و اجرا می‌شود و محیط آموزشی نیز به عنوان محیط و مکان اجتماع شاگردان فارغ از این موضوع نمی‌باشد که همه محیط‌های آموزشی دنیا طی ضوابطی محدودیت‌ها و قوانین خود را در مدارس پیاده می‌کنند. قوانین و مقررات پوشش در محیط‌های آموزشی خارج از کشور استفاده از هرگونه عطر و ادکلن غیرمتعارف و و با بوی تند و تحریک‌کننده در محیط دانشگاه ممنوع است.

موها در مردان و زنان بایستی تمیز و مرتب و به رنگ طبیعی و متعارف باشد، هرگونه استفاده از رنگ‌های غیرطبیعی ممنوع است. موهای بلند نیز بایستی پشت سر جمع شده و بسته شوند^۲ مردان موظفند ریش خود را کوتاه و مرتب نگاه دارند و سبیل در صورتی مجاز است که

۱. حجتی، محمدباقر، آداب و تعلیم و تربیت (منیه المرید) انتشارات سمت، ۱۳۷۵، ص ۳۶۲

۲. <http://student-rules.tamu.edu>

مانع از امور امنیتی و محافظتی نشود^۱
 استفاده از دمپایی و صندل‌های راحتی در محیط دانشگاه ممنوع است و پاشنه کفش برای زنان نایبستی بلندتر از هفت سانتی‌متر باشد.
 هرگونه استفاده از عینک‌های آفتابی در مکان‌های مسقف برای تمامی دانشجویان تنها با مجوز پزشک مجاز است
 خالکوبی‌ها به هیچ عنوان نایبستی قابل رؤیت باشند و در صورت رؤیت با فرد خاطی برخورد انضباطی صورت می‌گیرد
 زیورآلات برای زنان نایبستی متعارف باشد و سوراخ کردن بدن تنها در گوش‌ها مجاز است.
 استفاده از بیش از دو گوشواره و یا گوشواره‌های نامتعارف ممنوع است.
 ناخن‌ها نایبستی کوتاه و تمیز باشند و طول ناخن نایبستی بیش از یک سانتی‌متر از نوک انگشتان باشد.

لباس‌های چسبان، لباس راحتی، عرق‌گیر، لباس بدنسازی، شورت ورزشی و شلوارک در هیچ زمانی و هیچ مکانی مجاز نیست مگر در مواردی که فرد در قسمت مربوطه و یا اتاق خواب خویش حضور دارد.^۲

قوانین و مقررات پوشش در محیط‌های آموزشی ایران

ماده ۶۴- لباس دانش‌آموزان باید از نظر دوخت و رنگ، ساده و دارای ظاهری آراسته و متناسب با محیط آموزشی و تربیتی مدرسه باشد. ماده ۶۵- دانش‌آموزان باید علاوه بر استفاده از پوشش مناسب در مدرسه، در آمد و رفت به مدرسه نیز از لباس و پوشش مناسب و فاقد هرگونه تصویر و نوشته استفاده کنند.

ماده ۶۶- لباس دانش‌آموزان علاوه بر پوشش، نشان وقار و عفاف آنان است، شکل و دوخت لباس آنان باید با شئون اسلامی متناسب باشد

ماده ۶۷- پوشش دانش‌آموزان دختر شامل (۱) چادر، مانتو، شلوار، مقنعه (۲) مانتو، شلوار و مقنعه می‌باشد.

تبصره ۱- چادر بهترین حجاب و مناسب‌ترین پوشش می‌باشد. شایسته است مدیران مدارس ضمن رعایت عدم اجبار، دانش‌آموزان دختر را به استفاده از آن تشویق و توصیه کنند
 تبصره ۲- رنگ مانتو، شلوار و مقنعه دانش‌آموزان دختر باید ضمن توجه به شرایط سنی و جغرافیایی از میان رنگ‌های مناسب انتخاب شود

1. <http://www.dos.txstate.edu/handbook.html>

2. [Http://student-rules.tamu.edu](http://student-rules.tamu.edu)

در محیط‌های آموزشی، از به کار بردن وسایل آرایشی و زیور آلات مانند دست بند، گردن بند، انگشتری طلا (به جز حلقه‌ی ازدواج) و عطرهای تند و حساسیت‌زا باید خودداری شود.

از استعمال انواع دخانیات در محیط‌های آموزشی و بالینی باید پرهیز شود از جویدن آدامس در کلاس‌های درس، سالن‌های کنفرانس و در حضور اساتید باید پرهیز شود.

از تی شرت و لباس‌های ورزشی حاوی تصاویر و نوشته‌های نامناسب با عرف پرهیز شود.^۱

تفکیک جنسیتی شاگرد کلاس در ایران

از آیات قرآن و سنت معصومین (ع) چنین استنباط می‌شود که در ارتباط زن و مرد با یکدیگر باید نهایت دقت را داشت. در ارتباط بین زن و مرد باید اصل طهارت قلوب حفظ شود و رفتار یا پوششی نباید باعث ایجاد وسوسه یا توجه گناه‌آلود شود. هرچند که این وسوسه در حد وسوسه باقی بماند. خداوند متعال از شدت علاقه و محبت به بندگانش، این دستورات را برای آن‌ها نازل فرموده است^۲ تا در این راه پرییچ‌وخم زندگی دنیوی به بیراهه نروند. چراکه ارتباط نامشروع بین زن و مرد منجر به ایجاد فسادهای مختلفی می‌شود لذا با مطالعه تاریخ تعلیم و تربیت در قبل از اسلام و بعد از اسلام و معاصر کلاسهای درس شاگردان مدارس ایران به مقتضای بافت دینی و سنتی و قومیتی به صورت تفکیک بوده است گرچه بعد از ظهور تعلیم و تربیت نوین که دستاورد مدرنیته بوده در بعضی از نقاط ایران در تحصیلات عالی کلاسها مختلط بوده است که در خصوص معایب و نواقص این شیوه از سوی اساتید تعلیم و تربیت نظرات متفاوتی بیان گردیده است که تاکنون به اعمال نتیجه واحد نرسیده است.

تفکیک جنسیتی شاگرد در کشورهای اروپایی

تمدن غرب با پرداخت هزینه نگاههای مادی و معنوی، بعد از چند ده سال به این نتیجه می‌رسد که سیستم آموزشی تک جنسیتی بهتر از سیستم آموزش دو جنسیتی است.^۳

ترک تحصیل شاگرد

شناخت علل ترک تحصیل مثل دیگر مسائل پیشرفت تحصیلی هنوز هم به دلیل این که

۱. پوشش شاگردان محیط‌های آموزشی، مصوبه ۷۹/۶/۷ شورای عالی آموزش و پرورش

۲. قرآن کریم، آیات ۱۲ سوره ممتحنه و فصص و ۳۲ نساء و ۶۲ و ۶۳ قصص، ۵۳ و ۵۹ احزاب و ۳۰ تا ۳۳ و ۶۰ نور، ۱۹ لقمان

۳. پایگاه شورای اسلامی محیط‌های آموزشی، بخش تاریخچه شوراها، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی

متاثر از عوامل ریشه‌ای و ماهوی چون خود دانش آموز، خانواده، مدرسه و جامعه‌ای است که محصل در آن زندگی می‌کند، جزء مسائل دشوار محسوب می‌شود اما از دو جنبه قابل بررسی است:

جنبه فردی

بخش عمده‌ای از تحقیقات تجربی موید این نکته‌اند که یکی از مهم‌ترین عناصر جابه‌جایی دانش آموز است: چه جابه‌جایی محل اقامت (تغییر محل سکونت) و چه جابه‌جایی تحصیلی (تغییر مدرسه)، خطر ترک تحصیل را افزایش می‌دهد و همچنین بنیه علمی ضعیف، محرکی قوی برای ترک تحصیل بوده است.

جنبه اجتماعی

۱ - عوامل خانوادگی: بیشتر تحقیقات معطوف به ویژگی‌های ساختاری خانواده‌ها از قبیل وضعیت اقتصادی - اجتماعی است.

۲ - عوامل مدرسه‌ای: در این زمینه چهار ویژگی مدرسه دخیل‌اند: ترکیب دانش آموز، امکانات مدرسه، مشخصه‌های ساختاری مدرسه و فرآیندها و شیوه‌های مدرسه^۱

تعلیم مربی محور است یا مربی محور

تردیدی نیست که شیوه تربیت اختصاص به جامعه ندارد، بلکه فرد را نیز در بر می‌گیرد، چه اینکه در ملاک شیوه یعنی تجربه اندوختن و تصحیح مسیر بر اساس آن، فرقی میان جامعه و فرد نیست، همان‌گونه که تفاوتی میان افراد رشد یافته و به بلوغ رسیده نیز نیست؛ هر انسانی که توان تجربه و تصحیح آگاهانه مسیر را داشته باشد، مشمول این روش است. بنابراین می‌توان گفت روش تربیت از نگاه قرآن در خصوص جوانان نیز مربی محور است، زیرا توان تجربه و تصحیح را دارند و موردی که می‌توان برای تأیید شیوه مربی محوری از نگاه قرآن از آن یاد کرد، روش عمومی دعوت پیامبر اسلام است. یکی از دو هدف مهم رسالت پیامبر اسلام تزکیه است؛ «یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه». از سوی دیگر خدای متعال برای رسیدن به این هدف، پیامبر را مأمور به اتخاذ شیوه خاص می‌کند؛ (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) (نحل/۱۲۵). نقطه مشترک هر سه فرایند، یعنی حکمت، موعظه و جدال احسن، تأکید بر فهم و درک و قناعت مخاطب است. این بدان معناست که آن تزکیه‌ای که قرار است پیامبر صورت دهد، باید بر دریافت و تصمیم مخاطب (مربی) تکیه داشته باشد.^۲

۱. سیف، علی اکبر، روانشناسی تربیتی، انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵، ص ۳۴۲

۲. قرآن مجید، آیه ۱۲۵ سوره نحل - تفسیر المیزان آیت الله مکارم شیرازی، جمعی از نویسندگان

نتیجه گیری

با توجه به مطالعات و بررسی های انجام شده تعلیم و تربیت شاگرد در ایران را به ۳ دوره می توان تقسیم نمود

۱ ° تعلیم و تربیت دوره باستان: در دوره هخامنشیان، تعلیم و تربیت در خانواده، آتشکده و آموزشگاه درباری صورت می گرفت و دوران تحصیل از سنین ۵ تا ۷ سالگی آغاز می شد. در چنین سنی کودک مرحله اول آموزش را در محیط خانواده پشت سر می گذاشت و برای ورود به مدرسه و دوره های آموزش همگانی آماده می شد. برای زمان تحصیل و طول مدت آموزش در ایران قدیم می توان سه مرحله متفاوت قایل شد که به نسبت رشد قوای جسمانی، ذهنی، روحیات و خصایص ملی، اهداف و نیازهای اجتماعی متغیر بوده است.

۲ ° تعلیم و تربیت پس از ورود اسلام: سال ۴۵۹ هجری قمری در تاریخ آموزش و پرورش اسلامی، فصل برجسته ای به شمار میاید. در این سال نخستین مدرسه از رشته مدرسه هایی که خواجه نظام الملک، وزیر بزرگ سلجوقیان، ساخته بود در بغداد گشایش یافت. این مدرسه ها در جهان اسلام پراکنده شدند؛ تا آنجا که شهرها و روستاهای کوچک را همگام با مدرسه های بزرگ در مراکز استانها، دربرگرفت.

پیش از برپایی این مدارس حلقه های آموزش در یک جا جمع نمی شدند، بلکه در جاهای گوناگون مانند مسجد، بیوت علما و... تشکیل می شدند. همین که مدارس پراکنده شدند و فرصت ها و امکانات گسترده تری برای دانشجویان به سوی این مدرسه ها گسیل شدند. از این رو کمتر به دیگر جاهها، که پیشتر پررونق بود ولی همچنان سرشت خود را نگه داشتند و با کمی و کاستی گرایش دانشجویان به گونه ای تقلیدی همچنان به کار می پرداختند

۳ ° تعلیم و تربیت در دوره معاصر: نظام تعلیم و تربیت رسمی معاصر ایران در واقع از انقلاب مشروطیت و پس از وضع قانون اساسی و متمم آن بوجود آمده است. تا قبل از انقلاب مشروطیت آموزش و پرورش در مکتب خانه های سنتی ادامه داشت و معلمان آن معمولاً از طریق مراکز دینی و یادگیری فقه و اصول و درس قرآن به نعمت سواد دست یافته بودند و آنچه می دانستند با روش سنتی به کودکان و نوجوانان می آموختند. معمولاً دولت و سازمان های دولتی هیچگونه نظارتی بر آنها نداشتند و مواد درسی که بدون یک برنامه مدون تدریس می شد، عبارت بود از خواندن، نوشتن، حساب، خط، قرآن و صرف و نحو عربی. علاوه بر این گونه مکتب خانه ها برخی مدارس غربی نیز فعالیت می کردند

فهرست منابع

۱. امینی، ابراهیم، *اسلام و تعلیم و تربیت*، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۲.
۲. ابن منظور، محمدبن مكرم، لسان العرب، دار صادر، نوبت سوم، بیروت، ج ۲
- ۳- بن هشام، السیرة النبویه، محقق مصطفی السقا و...، مطبعه مصطفی البابی و الحلبي و اولاده، مصر، ۱۳۵۵ ق
- ۴- بناری، علی همت، *نگرشی بر تعامل فقه و تربیت با تأکید بر نقش فقه بر تربیت*، قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۳.
- ۵- بروجردی، آقا حسین، *منابع فقه شیعه (ترجمه جامع احادیث الشیعة)*، انتشارات فرهنگ سبز - تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ق، ج ۲۵
- ۶- بیانات رهبر معظم انقلاب در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۰/۱۰/۱۱
- ۷- پژوهشکده حوزه و دانشگاه، *درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران، سمت، ۱۳۷۲.
- ۸- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، *درآمدی بر نظام تربیتی اسلام*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۷۷.
- ۹- حجتی، سیدمحمدباقر، *تعلیم و تربیت اسلامی (بخش دوم: تعیم)*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸.
- ۱۰- خوانساری، محمد، *شرح غررالحکم و دررالکلم*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
- ۱۱- داودی داودی محمد، *نقش معلم در تربیت دینی*، قم، پژوهشکده همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۴.
- ۱۲- دورکیم، امیل، *تربیت و جامعه‌شناسی*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ چاپ دوم، تهران، مرتضوی، مفردات ج ۲، ۱۶۸
- ۱۴- سیف، علی‌اکبر، *روانشناسی پرورشی*، تهران، آگاه، ۱۳۶۸.
- ۱۵- شریعتمداری، علی، *رسالت تربیتی مراکز آموزشی*، تهران، سمت، ۱۳۷۴.
- ۱۶- شیخ عباس قمی - *سفینه البحار* - جلد ۲
- ۱۷- *اصول و فلسفه آموزش و پرورش*، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۹.
- ۱۸- شکوهی، غلامحسین، *مبانی و اصول آموزش و پرورش*، مشهد، مؤسسه انتشارات و چاپ آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸.
- ۱۹- صادقی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۷ ق.
- ۲۰- صانعی، سیدمهدی، *پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، مشهد، سناباد، ۱۳۷۸.
- ۲۱- طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.

- ۲۳- طباطبایی، محمدحسین، میزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ج ۱۶
- ۲۴- عاملی، حر، محمد بن حسن، موسسه آل بیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ه ق، قم، ج ۲۰
- ۲۵- کریمی، عبدالعظیم، آموزش به مثابه پرورش، تهران، وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۱.
- ۲۶- کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- ۲۷- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار فی معرفه الائمه الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- ۲۸- محمدی، ری شهری محمد، میزان الحکمه، قم، مرکز الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۰.
- ۲۹- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۶۷.
- ۳۰- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.
- ۳۱- میالاره گاستون، معنی و حدود علوم تربیتی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۳۲- مجموعه آثار استادشهید مطهری، ج ۱۹
- ۳۳- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، دارالکتاب، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی ج ۷
- ۳۴- موسوی همدانی سید محمد باقر- ترجمه تفسیر میزان، ۱۳۷۴ ش، دفتر انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۱۵
- ۳۵- میزان الحکمه - جلد ۶ - ص ۳۶۳ - حدیث ۱۲۸۶۱
- ۳۶- نقیب‌زاده، عبدالحسین، نگاهي به فلسفه آموزش و پرورش، تهران، طه‌وری، ۱۳۶۸.
- ۳۷- هاشمی، سید حسین، «رابطه تعلیم و تربیت از منظر قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۱، بهار ۱۳۸۹.
- ۳۸- الهندی المتقی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق.
- ۳۹- هوشیار، محمدباقر، اصول آموزش و پرورش، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۲۷.

40- <http://www.liberty.edu/undergrad/index.cfm?PID=23646>

41- <https://www.ccis.edu/policies/index.asp>

42- <http://www.columbia.edu/cu/compliance/index.html>

43- <http://www.dfa.cornell.edu/treasurer/policyoffice/policies/volumes/governance/policies.cfm>

44- <http://www.strathmore.edu/dos/policies.php>

45- <https://www.dso.ufl.edu/sccr/process/student-conduct-honor-code>.